



سخنرانی پرشور قرآنی سیدجمال الدین اسدآبادی در مصر

سیدجمال الدین اسد آبادی سخنرانی‌های پرشوری داشت. او در یکی از سخنرانی‌هایش قرآن را صراط مستقیم بشری خوانده و از مهجور ماندن آن در جامعه اسلامی تاسف شدید می‌خورد.

سیدجمال الدین اسد آبادی سخنرانی‌های پرشوری داشت. او در یکی از سخنرانی‌هایش قرآن را صراط مستقیم بشری خوانده و از مهجور ماندن آن در جامعه اسلامی تاسف شدید می‌خورد. به گزارش [خبرگزاری بین‌المللی قرآن \(ایکنا\)](#)، سیدجمال الدین اسد آبادی را بیدارگر اسلامی خوانده‌اند. وی نه تنها در آثار علمی خود به بیدارگری اسلامی پرداخت بلکه از اولین افرادی بود که توانست پای اندیشمندان را به جامعه و کنش سیاسی باز کند. تاکید بر ضرورت بازگشت قرآن به حوزه تاثیر اجتماعی یکی از مضامین اصلی است که او در یکی از سخنرانی‌هایش به آن اشاره می‌کند. این اعتقاد، بی‌شک از اصلی‌ترین عناصر نظری مردی است که استعمار غرب را به لرزش در انداخت.

در پی سخنرانی سیدجمال الدین اسدآبادی در یکی از مساجد مصر می‌آید. منبع ذکر این سخنرانی، کتاب نور ملکوت قرآن نوشته سیدمحمدحسین حسینی طهرانی است. وی آن را از کتاب «شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی»، نوشته میرزا لطف‌الله اسدآبادی نقل کرده است. بر اساس منبع اصلی، چنان شوری در مسجد افتاد که عده‌ای از هوش رفتند و خود سخنران به طوری گفته‌ها را ایراد کرده بود که او نیز از حال رفت. شوری که سیدجمال الدین اسد آبادی در مصر در انداخته بود، به تاسیس انجمن فعالیت‌های قرآنی منجر شد. این اقدامات به نفع استعمار انگلستان نبود و فشارهای این کشور موجبات تبعید سیدجمال را از مصر فراهم آورد. بار الها! گفته‌تو است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نمایم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است.» (عنکبوت/69) و کلام تو محض حق است! از آنجا که دعوت من و اجابت این نفوس زکیه خالصاً مخلصاً لوجهک الکریم بود، مرا به موجب گفته حق خودت، به سبیل هدایت راهنمایی فرمودی!

آقایان! مدینه فاضله انسانی و صراط المستقیم سعادت بشری قرآن است؛ گرامی دستور مقدس که نتیجه شرافت کل ادیان حقه عالم، و برهان قاطع خاتمیت مطلقه دین اسلام الی یوم القیمة، و ضامن سعادت دارین و فوز نشأتین است. آه، آه! چسان از فرط غفلت مهجور شده!

گرامی دستور مقدس که مختصر شراره از قبسات انوار مضمینه‌اش، عالم قدیم و دنیای جدید را - به آن حقارت - به این تمدن رسانید، آه‌ها، آه‌ها! چسان. قواعد امروز آن از فرط جهل و غفلت منحصر در امور ذیل شده است: تلاوت بالای قبور شبهای جمعه، مشغولیت صائمین، زبالة مساجد، کفاره گناه، بازیچه مکتب، چشم زخم، نظر قربانی، قسم دروغ، مایه گدائی، زینت قنடை، سینه‌بند عروس، بازوبند نانا، گردن‌بند بچه‌ها، حمائل مسافرین، سلاح جن‌زده‌ها، زینت چراغانی، نمایش طاق نصرت، مقدمه انتقال اسباب، حیر زورخانه‌کار، مال التجاره روسیه و هند، سرمایه کتابفروش‌ها، سرمایه گدائی زنان بی‌تقوی و مردان بی‌سر و پا در معابر.

آه، وا آسف! یک سوره والعصر فقط که سه آیه بیش نیست، اساس نهضت یک دسته اصحاب صقه گردید که از فیض مقدس همین مختصر سوره مبارکه، شرک زار بتخانه مکه را قبل از هجرت، بستان وحدت و یزدان‌خانه بطحا نمودند. آه، وا لهفاه! این کتاب مقدس آسمانی، این گرامی تصنیف حضرت سبحانی، این مایه کل السعادات انسانی، از «دیوان سعدی» و «حافظ» و «مثنوی» و «ابن فارض»، امروزه کمتر محل اعتناء و مورد اهتمام است؛ که در هر مواعظ و معانی عرشی و فرشی، از او استفاده کنند.

بر عکس، در جمعی که یکی از منسوجات شعریه خوانده می‌شود، نفَس‌ها از ته دل کشیده، چشم‌ها، گوش‌ها و دهن‌ها برای او باز مانده؛ و چه اندازه قرآن بر عکس! که هرگز در هیچ جا با قیل و قال فکر و کار کسی مزاحم نخواهد بود.

أَيُّ وَحَقِّكَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ! أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلِكَ حَقٌّ: نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ.

«آری، سوگند به حق خودت که منزهی تو ای پروردگار من! تو گفته‌ای و گفته‌ات حق است: ایشان خدا را فراموش کردند؛ و خداوند هم بر اثر این فراموشی، خودشان را از یادشان برد.» آری! پاک و منزهی ای پروردگار من، و گفتارت حق است؛ خداوند نعمت را بر مردمی تغییر نمی‌دهد، تا زمانی‌که آنان حالات خودشان را تغییر دهند.

بر شما باد به عظیم‌ترین ذکر خدا، و قویم‌ترین و استوارترین حجت و برهان او! زیرا این قرآن است که نور درخشان و تابناک و موج دهنده و نورافشان کننده‌ایست که به واسطه او از تاریکی‌های خاطرات و افکار پریشان که دل را آزار می‌دهد، می‌توان خلاصی جست؛ و از وسوسه‌ها و آرای پست و پائین شیطانی که همچون شب تاریک ضمیر انسان را فراگرفته است، می‌توان رها شد و قرآن است که چراغ راه هدایت و نجات است. کسی که بدین چراغ نجات راه جوید،

راه یابد؛ و کسی که روی گرداند، هلاک شود. اوست که صراط استوار و پا برجای خداست. کسی که در این راه گام نهد، به منزل می‌رسد؛ و کسی که بی‌اعتنا باشد، گم و گمراه می‌گردد. بر شما باد که از گهرهای ریزان گفتار آورنده‌اش - که بر وی سلام و درود خدا باشد - بهرمند شوید؛ آنجا که گفته است - صلوات بر گوینده‌اش باد. چون خداوند برای مردمی اراده بدی داشته باشد، عمل‌شان کم؛ و گفتار و جدالشان زیاد می‌شود. و نیز پیامبر (ص) گفته است: سه چیز است که در اثر عمل به آن بر روی دل مرد مسلمان، زنگار کدورت نمی‌گیرد: کارهایش را از روی قصد و نیت خالص برای خدا بجای آورد، به امراء و حاکمان مسلمین اندرز و پند و نصیحت دهد، و پیوسته با جماعت آنها باشد و کنار نرود. تمام افراد مسلمان از جهت ارزش خون و قیمت جان برابرند؛ و بنابراین پست‌ترین آنان، هم ارزش با شریف‌ترین آنهاست. کسی که در ولایت آنها خود را پیوسته است، باید در ادای تعهد و پیمان آنها مساعی خود را به کار بندد و تمام مسلمین حکم دست‌واحدی هستند در مقابل تعدی و تجاوز کسی که از ایشان نیست. همیشه امر ریاست و حکومت و سیادت، در امت من است تا زمانی که به اخلاق پارسیان آلوده نشوند. و دیگر نظیر این گفته‌های درخشان که از آن حضرت وارد شده است، که هریک از آنها به تنهایی ضامن سعادت و کامیابی تمام امت‌هاست. و درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد.